

تحلیل وضعیت مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر در حقوق کیفری ایران

مسعود بسامی*

(تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۲۳)

چکیده

یکی از کیفیات مشدده مجازات تعدد جرم است که به دو نوع واقعی و اعتباری تقسیم می‌شود. حقوقدانان غالباً در تعدد واقعی جرم معتقد به تشدید مجازات بزهکار هستند، در حالی که چنین دیدگاهی معمولاً راجع به تعدد اعتباری وجود ندارد. در خصوص مصادیق تعدد واقعی و اعتباری اختلاف نظر وجود دارد. یکی از موارد اختلافی حالتی است که مجرم در مسیر ارتکاب جرمی که هدف اصلی او است به ناچار جرم دیگری را نیز به عنوان مقدمه جرم اصلی مرتکب می‌شود. حال، سؤال این است که در این وضعیت باید جرم مقدماتی را داخل در جرم اصلی دید و قائل به وحدت جرم بود و موضوع را از مصادیق تعدد اعتباری دانست یا اینکه موضوع از مصادیق تعدد واقعی جرم است؟ نتیجه اینکه قانون مجازات ایران ساکت است، لیک با مراجعه به دکترین و رویه قضایی باید قائل به این نظر بود که در حقوق کیفری کنونی ایران، «مقدمه بودن ارتکاب جرمی برای جرم دیگر» از مصادیق تعدد واقعی جرم است.

واژگان کلیدی: تعدد واقعی، تعدد اعتباری، تشدید مجازات، جرم اصلی، جرم مقدماتی.

* استادیار گروه حقوق، واحد اسلام آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آباد، ایران: mbassami1360@gmail.com

مقدمه

یکی از کیفیات مشدده مجازات تعدد جرم است که به دو نوع تعدد واقعی (مادّی) و تعدد اعتباری (معنوی) تقسیم می‌شود. تعدد واقعی جرم عبارت است از: «ارتکاب جرائم متعدّد بدون آنکه متهم برای اتهامات متعدّد پیشین خود به محکومیت کیفری قطعی رسیده باشد؛ خواه جرائم متعدّد در فواصل کوتاهی ارتکاب یافته باشد، چندانکه زمان برای تعقیب و محکومیت متهم کافی نبوده، خواه متهم متواری بوده و یا جرائم او به دلایل گوناگون کشف نشده باشد» (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۷۴). در تعدد مادّی جرم معمولاً عقیده بر شدت مجازات مرتکبان است، زیرا از دیدگاه منطقی محض عادلانه است کسی که مرتکب جرایم عدیده‌ای گردیده که هر یک به تنهایی موجب ضرر و زیان برای جامعه است، نسبت به کسی که برای اولین بار مرتکب جرم شده است، شدیدتر مجازات شود (علی آبادی، ۱۳۸۵: ۲۶۹). در تعدد اعتباری جرم معمولاً عقیده بر تشدید مجازات مرتکبان نیست، زیرا در این حالت عقیده بر آن است که بزهدار واقعاً مرتکب چندین رفتار مجرمانه مستقل نشده است، بلکه تعدد اعتباری غالباً ناشی از نحوه تنظیم قانون است و همیشه مبین شدت مخالف بودن با اخلاق و یا خطرناکی آن برای جامعه نیست (علی آبادی، ۱۳۸۵: ۲۶۹). تفکیک این دو نوع تعدد از اهمیت بسزایی برخوردار است، چراکه یکی موجب تشدید مجازات است و دیگری خیر. با وجود این، تشخیص تعدد اعتباری از تعدد واقعی همیشه به سادگی ممکن نیست و با دشواری‌هایی همراه است، به گونه‌ای که فرضی را برخی تعدد واقعی و برخی دیگر تعدد اعتباری می‌دانند. البته قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تا حدّی این ابهامات را برطرف نمود، بدین نحو که در ماده ۱۳۱، «رفتار واحد دارای عناوین مجرمانه متعدّد» و در تبصره ۲ ماده ۱۳۴، «مجموع جرائم دارای عنوان خاص» از مصادیق تعدد اعتباری دانسته شده و در فروض مورد بحث تشدید مجازات مطرح نیست. همچنین، قانونگذار در تبصره ۱ ماده ۱۳۴، «رفتار واحد دارای نتایج مجرمانه متعدّد» را تعدد واقعی محسوب نموده است. با وجود این، قانون در خصوص «مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر» ساکت است.

سکوت قانونگذار در این فرض از تعدد جرم، اختلاف نظر موجود میان حقوقدانان و فقدان سابقه پژوهشی در این زمینه ضرورت انجام تحقیق را در این خصوص نمایان می‌سازند. از این رو، پژوهش حاضر با هدف تعیین «وضعیت حقوقی مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر در حقوق کیفری ایران» صورت گرفته است. این پژوهش به دنبال پاسخگویی بدین سؤال است که مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر در حقوق کیفری ایران از مصادیق وحدت جرم است یا تعدد جرم؟ مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است. مطالب این پژوهش در چهار قسمت تدوین گردیده است. در قسمت اول، به بیان مفاهیم و تعریف واژگان تحقیق پرداخته‌ایم. در قسمت دوم، پیشینه قانونگذاری بررسی شده است. در قسمت سوم، نظام حقوقی حاکم بر «مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر» را در چهار منبع حقوق ایران یعنی قانون، فقه، دکترین و رویه قضایی بررسی کرده‌ایم. در قسمت چهارم نیز رابطه «مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر» با موارد مشابه بررسی شده است.

۱. مفاهیم

یکی از فروض تعدد جرم زمانی است که شخصی مرتکب چندین رفتار مجرمانه می‌شود، ولی بین رفتارهای ارتكابی نوعی وابستگی وجود داشته به نوعی که ارتكاب برخی مقدمه برخی دیگر است. در توضیح باید اظهار داشت که پس از قصد ارتكاب جرم، مجرم به تهیه وسایل و ابزار جرم می‌پردازد و در اصطلاح این مرحله را تهیه مقدمات می‌گویند؛ عملیات مقدماتی که مرحله قبل از شروع به جرم است، اگر عنوان خاص مجرمانه نداشته باشد قابل تعقیب نیست (نوربها، ۱۳۷۵: ۲۳۳)، زیرا ممکن است مجرم تا هنگام ارتكاب جرم از تعقیب افکار مجرمانه خود منصرف گردد و این امر به نفع جامعه است (محسنی، ۱۳۸۲: ۱۵۶). اما در این جا بحث مربوط به مواردی است که خود این اعمال مقدماتی جرم مستقلی هستند و مجرم پس از گذار از این مرحله، جرم اصلی مورد نظر خود را (جرم دیگری) انجام می‌دهد. در واقع، یک جرم اصلی وجود دارد که هدف اصلی مرتکب حصول آن است، ولی مجرم برای رسیدن به آن در مسیر

خود مرتکب جرم یا جرایمی دیگر می‌گردد، مانند حمل مواد مخدر جهت استعمال. حقوقدانان فرض مورد بحث را از مصادیق جرم مرتبط دانسته‌اند، توضیح آنکه: «دو یا چند جرم وقتی به هم مرتبط هستند که بعضی از آنها مقدمه بعضی دیگر بوده و یا به مناسبت بعضی دیگر ارتکاب یافته و یا تحقق بعضی وابسته تحقق بعضی دیگر باشد، مانند کشتن گواه به قصد از بین بردن دلیل قتل عمدی» (آخوندی، ۱۳۶۵: ۱۶۷)، حمل سلاح برای سرقت، قتل حین سرقت، مخفی کردن مال مسروقه (زراعت، ۱۳۸۷: ۳۷۲)، تخریب برای سرقت، جعل به قصد استفاده از سند مجعول یا کلاهبرداری (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۵: ۳۳).

وقتی جرمی مقدمه جرم دیگر است، بین جرم مقدم و جرم مؤخر (جرم اصلی) دو حالت ممکن است وجود داشته باشد: الف- فرضی که بین جرم مقدم و مؤخر رابطه ملازمه وجود ندارد. ب- فرضی که بین جرم مقدم و مؤخر رابطه ملازمه وجود دارد.

۱-۱. مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر بدون رابطه ملازمه

گاه مجرم برای ارتکاب جرمی که مقصود اصلی اوست مرتکب جرم یا جرایم دیگری به عنوان مقدمه می‌شود، ولی لازمه قطعی ارتکاب جرم اصلی، ارتکاب جرایم مقدماتی نیست، بلکه مجرم می‌تواند جرم مؤخر را بدون ارتکاب جرم مقدماتی انجام دهد، هر چند اقدامی دشوار باشد. به عنوان مثال، شخصی را در نظر بگیرید که قصد سرقت از یک فروشگاه را دارد و برای ورود به فروشگاه اقدام به تخریب دیوار آن می‌نماید، در این وضعیت مقدمه ارتکاب سرقت تخریب است، ولی تخریب لازمه قطعی و ضروری سرقت نیست، چراکه سارق می‌تواند با استفاده از کلید وارد فروشگاه شود و مرتکب تخریب نشود.

۱-۲. مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر با رابطه ملازمه

فرض مورد بحث زمانی است که لازمه قطعی و ضروری ارتکاب جرم اصلی یا همان جرم مؤخر ارتکاب جرم یا جرایم دیگری است، به گونه‌ای که بدون ارتکاب جرم مقدماتی، جرم اصلی قابل تحقق نیست. به عبارت دیگر، وقتی جرمی از لوازم جرم دیگر محسوب می‌شود باید

تصور نمود که جرم لازم بدون لوازمش تحقق پیدا نمی‌کند. بنابراین، می‌توان گفت جرایم ارتكابی به یک دیگر متصل بوده و از هم تفکیک نمی‌شوند، مانند حمل یا خرید مواد مخدر جهت استعمال. مصرف مواد مخدر از لوازم اعتیاد است. به عبارت دیگر، تا شخصی مصرف نکند معتاد نمی‌شود. اینها افعالی زنجیره‌وار هستند و هر یک از لوازم دیگر. اعتیاد بدون مصرف معنا ندارد. در قوانین برخی کشورها قانونگذار بدین نکته توجه داشته و در مورد معتادان اگر مقداری از مواد مخدر شایع و پرمصرف را که در قوانین آن کشورها ذکر شده همراه داشته باشند، داشتن آن مقدار مواد برای معتاد جرم نیست (اردبیلی، ۱۳۸۷: ۳۶). در حال حاضر در حقوق ایران طبق ماده ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر، حمل، خرید و نگهداری و ... مواد مخدر جرم است، ولی در ماده ۱۰ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ در خصوص معتادان یک معاقبت بدین مضمون در نظر گرفته شده بود: معتادان به مواد مخدر مذکور در ماده ۸ که تا یک گرم از آنها را حمل یا نگهداری کنند به مجازات‌های مواد ۸ و ۹ محکوم نخواهند شد. اداره حقوقی قوه قضائیه نیز سابقاً در نظریه شماره ۷/۴۶۹-۱۰/۲۷-۱۳۷۰/۱۰ اظهار داشته بود: «خرید ماده مورد اعتیاد در حد متعارف برای معتاد جهت استعمال، جرم مستقلی محسوب نمی‌شود».

۲. پیشینه قانونگذاری

در ماده ۳۲ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ آمده بود: «اگر چند جرم برای یک مقصود واقع شده و مربوط به هم باشند یا اینکه بعضی از آنها مقدمه یا جزء دیگری بوده یا از هم تفکیک نشوند، تمام آنها یک جرم محسوب و مجازات جرمی داده می‌شود که جزای آن اشد است». قانونگذار ۱۳۰۴ در این ماده سه فرض را مطرح نموده بود: در فرض اول، چند جرم مستقل و مجزاً برای یک مقصود واقع شده‌اند؛ در این مورد قانونگذار وجود قصد واحد در همه جرایم را موجب واحد بودن جرم دانسته است. در فرض دوم، از چند جرم ارتكابی متهم، بعضی از آنها مقدمه بعضی دیگر بوده باشند، که در این مورد نیز جرایم واقع شده متعده محسوب نمی‌شدند. در فرض سوم، از چند جرم واقع شده بعضی جزء جرم دیگری بوده یا از آن تفکیک نمی‌شوند؛

در این مورد نیز همه جرایم ارتكابی جرم واحد به حساب می آمدند. در سال ۱۳۱۲ به موجب ماده ۲ الحاقی به قانون آیین دادرسی کیفری ماده ۳۲ ق.م.ع. نسخ شد. ماده ۲ الحاقی به ق.آ.د.ك چنین مقرر می داشت: «اگر شخصی مرتكب چند عمل شده که هر یک از آنها مطابق قانون جرم باشد، محکمه برای هر یک از آن اعمال حکم مجازات علیحده صادر خواهد کرد. ولو اینکه آن اعمال به موجب قانون جرم خاصی شناخته شده یا اینکه بعضی از آنها مقدمه دیگری باشد».

چنانکه ملاحظه می شود ماده ۲ عبارت «مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر» را بکار برده بود، اما برخلاف ماده ۳۲ ق.م.ع. عبارت «جرمی جزء جرم دیگر باشد یا از آن تفکیک نشود» را بکار نبرده بود. همچنین، سیاست کیفری قانونگذار در سال ۱۳۱۲ با سیاست سال ۱۳۰۴ در باب مجازات مرتكب متفاوت بود. در سال ۱۳۰۴ قانونگذار اظهار داشته بود که وقتی جرمی مقدمه جرم دیگر است تمام جرایم یک جرم محسوب می شوند و مرتكب فقط به یک مجازات محکوم می شود، که آن مجازات جرم اشد است. یعنی هم در مرحله صدور حکم و هم در مرحله اجرای مجازات مرتكب فقط یک مجازات را متحمل می شد، اما در قانون ۱۳۱۲ قانونگذار بیان نمود که در مرحله صدور حکم مرتكب به مجازات تمام جرایم محکوم می شود (متفاوت با قانون ۱۳۰۴) ولی در مرحله اجرای فقط مجازات جرم اشد به اجراء درمی آید (مشابه ۱۳۰۴).

در سال ۱۳۵۲ در قانون مجازات عمومی بازنگری کلی به عمل آمد و ماده ۲ الحاقی به قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۱۲ نسخ گردید و از آن زمان تا کنون در قوانین کیفری حتی در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به صراحت مطلبی در رابطه با اینکه جرمی مقدمه جرم دیگر باشد (چه به نحو استلزام چه غیراستلزام) نیامده است و قانونگذار نزدیک به چهل سال است که موضوع را به سکوت برگزار نموده است.

۳. نظام های حقوقی در رابطه با مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر

باید پرسید که چه نظامی برای تعیین مجازات در رابطه با مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر حاکم است. به عبارت دیگر، این مورد از مصادیق تعدد واقعی جرم است یا تعدد اعتباری؟ برای

پاسخ به سؤال لازم است موضوع را در چهار حوزه دکتین، قانون، فقه و رویه قضایی بررسی نماییم.

۳-۱. دکتین

نظام تعدد واقعی. گروهی از حقوقدانان معتقدند که چند جرم واقع شده و موضوع را از مصادیق تعدد واقعی جرم می‌دانند. آنان در توجیه نظر خود بدین دلایل استناد می‌نمایند: ۱. مرتکب بیش از یک فعل مجرمانه انجام داده و قصد وی نیز متعدد بوده است؛ پس با توجه به تعدد عنصر مادی و تعدد عنصر معنوی، رفتار فرد مشمول تعدد مادی جرم است (اردبیلی، ۱۳۸۷: ۳۵؛ رایجیان اصلی، ۱۳۸۲: ۱۸)؛ ۲. رکن مادی جرایم مقدم با جرایم غایی در اغلب موارد متفاوت است و به عبارت دیگر مختلف الطبیعه هستند؛ و ۳. جرایم مقدماتی از لحاظ زمانی قبل از شروع جرم غایی شروع می‌شوند و ممکن است تا زمان ارتکاب تام جرم اصلی نیز ادامه داشته باشند. بنابراین، جرایم مقدماتی و نهایی نمی‌تواند تعدد اعتباری باشند تا برای آنها یک مجازات در نظر بگیریم (طاهری‌نسب، ۱۳۸۱: ۷۹).

نظام تعدد اعتباری. برخی دیگر از حقوقدانان در فرض مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر قائل به وحدت جرم بوده و موضوع را از مصادیق تعدد اعتباری می‌دانند (پیمانی، ۱۳۷۴: ۱۷؛ علی‌آبادی، ۱۳۸۵: ۲۷۵). آنان معتقدند چون فاعل قصد واقعی ارتکاب جرم مقدم را نداشته و قصد او جرمی بوده که به نتیجه منتهی شده است، در واقع یک جرم بیشتر اتفاق نیفتاده است و بزهکار مقدمه را به منظور ذی‌المقدمه مرتکب شده است (به نقل از: مهدوی، ۱۳۴۵: ۷). برای مثال، اگر کسی برای ارتکاب سرقت مرتکب تخریب دیوار شود یا با شکستن مهر در مال توقیفی دخالت کند، برای وی فقط باید مجازات سرقت و دخالت در مال توقیفی تعیین شود، زیرا قصد واحد منشأ دو جرم نمی‌گردد. در فرض اول قصد مرتکب سرقت بوده است نه تخریب و در فرض دوم نیز قصد مرتکب دخالت در مال توقیف شده بوده است نه تخریب، پس تعدد جرم منتفی است (باهری، ۱۳۸۰: ۴۳۳). از این رو، هر رفتار مجرمانه‌ای دارای یک قصد مجرمانه است.

اگر دو جرم با یک قصد ارتکاب یابند، از آنجا که قصد مجرمانه شامل رفتار اول که حکم مقدمه را برای جرم اصلی دارد نمی‌شود، پس رفتار اول جرم تکوین نیافته تلقی شده و تعدد جرم نیز منتفی است (نوربها، ۱۳۷۵: ۴۵۲). برخی دیگر نیز معتقدند در حقوق کیفری گاه مجموع وقایع و رفتارها یک واقعه عینی تلقی می‌شوند و مبنای این امر نیز عرف یا قانون است. پس عرف در فرض مورد بحث مجموع رفتارهای ارتكابی را یک رفتار تلقی می‌نماید. در نتیجه، موضوع از مصادیق تعدد اعتباری بوده و مجازات جرمی داده می‌شود که جزای آن اشد است (ساداتی، صادقی و فروغی، ۱۳۹۶: ۶۷-۶۶). در مجموع، به اعتقاد این گروه از حقوقدانان از آنجا که تمام رفتارها در راستای ارتکاب یک جرم صورت گرفته‌اند و ماهیت جرم ارتكابی به گونه‌ای است که شخص ناگزیر از ارتکاب رفتارهای متعدد بوده، رفتارهای وی واقعاً متعدد نیستند و مورد از مصادیق تعدد اعتباری است.

تفکیک ملازمه و غیرملازمه. برخی از حقوقدانان میان حالتی که بین جرایم مقدم و مؤخر رابطه ملازمه وجود دارد و زمانی که این رابطه وجود ندارد قائل به تفکیک شده‌اند و معتقدند در حالت مقدمه بودن به شکل غیرملازمه باید قائل به تعدد مادی بود، ولی در حالت ملازمه اصلاً تعدد چه مادی چه اعتباری وجود ندارد و فقط یک جرم واقع شده است، چون وقتی جرمی از لوازم جرم دیگر محسوب می‌شود جرم لازم هیچ گاه بدون لوازم آن تحقق پیدا نمی‌کند، برخلاف جرایم متعددی که یکی مقدمه جرم دیگر است (اردبیلی، ۱۳۸۷: ۳۶).

در تحلیل این نظرات نگارنده به دلایل زیر معتقد به تعدد اعتباری نیست و با فرض اخیر که قائل به تفکیک شده موافق است: ۱. در حالتی که مجرم به منظور نیل به جرمی که مقصود اصلی او است جرم دیگری را نیز به عنوان مقدمه مرتکب می‌شود، جرم مقدماتی تمام عناصر سه‌گانه جرم را به طور مستقل در خود دارد و به طور تام واقع می‌شود. بنابراین، جرم بودن آن تابع تحقق جرم اصلی نیست و نمی‌توان گفت جرم مقدماتی تکوین نیافته است. فرض کنید شخصی به قصد سرقت درب فروشگاه را تخریب می‌نماید ولی پشیمان شده و از ادامه عملیات مجرمانه منصرف می‌شود. آیا جز این است که فرد به اتهام تخریب قابل محاکمه است؟ پس اگر معتقد باشیم جرم

مقدماتی قصد نشده یا تکوین نیافته است در مثال مذکور مرتکب نمی‌بایست به اتهام تخریب محاکمه شود؛^۲ استناد به عنصر معنوی واحد نیز قابل توجه نیست و نمی‌توان گفت مجرم قصد ارتکاب جرم مقدماتی را نداشته است، چراکه قصد به معنای خواستن است و وقتی مرتکب می‌خواهد درب را برای سرقت بشکند قصد ارتکاب تخریب را داشته است و به تعبیر برخی از نویسندگان مرتکب قصد تبعی داشته یعنی می‌دانسته که برای سرقت یا دخالت در مال توقیف شده باید اقدام به نقب زدن و شکستن مهر نماید و همین اندازه از آگاهی برای تحقق سوءنیت کافی است (عابد، ۱۳۹۱: ۲۹)؛^۳ اگر فرض مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر را وحدت جرم بدانیم نتیجه این خواهد بود که باید بین فردی که برای سرقت از منزلی از کلید استفاده کرده و دیگری که اقدام به تخریب درب منزل نموده برخوردی یکسان داشت، چراکه هر دو فقط به مجازات سرقت محکوم می‌شوند. چنین نتیجه‌ای با عدالت و اخلاق سازگار نیست، چون بین سارق که به صاحب مال زیان مضاعفی از طریق تخریب زده و سارقی که فقط یک زیان زده است که همان ربودن مال است تفاوتی قائل نشده‌ایم؛^۴ مجرمی که برای حصول به جرم اصلی، جرم دیگری را نیز به عنوان مقدمه مرتکب می‌شود باید عواقب حاصل از رفتار خود را که همان تشدید مجازات است بپذیرد؛^۵ این استدلال که عرف مجموع اعمال ارتكابی را واحد تلقی می‌نماید نیز صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا در حقوق جزا برخلاف حقوق خصوصی، عرف از منابع ارشادی بوده و اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها دادگاه را مکلف می‌نماید که قانون را اساس رسیدگی و صدور حکم قرار دهد (گلدوزیان، ۱۳۸۱: ۴۹). بنابراین، محاکم نمی‌توانند به استناد عرف رفتار را جرم بدانند یا ندانند. البته این سخن بدان معنا نیست که عرف در حقوق جزا نقش نداشته بلکه در موارد تطبیق قانون موجود با موارد خاص از عرف الهام گرفته می‌شود (گلدوزیان، ۱۳۸۱: ۴۹). به عنوان مثال، برای تشخیص اینکه رفتاری مصداق توهین است می‌توان از عرف کمک گرفت، ولی تشخیص اینکه رفتاری جرم است یا مصداق تعدد جرم است از صلاحیت عرف خارج است؛^۶ ارتکاب هر جرمی به خودی خود ممنوع است و مجازات خاص خود را دارد. کیفری که برای یک جرم پیش‌بینی شده به دلیل بازداشتن مجرم از ارتکاب سایر جرایم نیست،

بلکه بدین سبب است که از ارتکاب همین جرم خودداری کند. همچنین، در وضع هر مجازاتی ملاحظات ویژه‌ای مراعات گردیده است که در مجازات دیگر وجود ندارد و ممکن است در جلوگیری از سایر جرایم بی‌فایده باشد. این منطبق لزوماً ایجاب می‌کند که در ارتکاب جرایم مختلف قاعده تعدد مجازات‌ها رعایت شود و متهم برای هر یک از جرایم کیفر خاص آن را تحمل کند (عوده، ۱۳۹۰: ج ۲، ۱۴۴).

۳-۲. فقه

نگارنده در فقه جزایی اسلام مبحثی تحت عنوان «مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر» ملاحظه ننموده است. از این رو، نه می‌توان تعریف فقهی از آن ذکر نمود و نه می‌توان شرایطی برای آن بیان داشت. با وجود این، از آنجا که در بحث مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر، مجرم بیش از یک رفتار مجرمانه انجام می‌دهد، می‌توان از نظر فقه در این رابطه (ارتکاب بیش از یک رفتار مجرمانه) برای توضیح وضعیت مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر کمک گرفت. باید اظهار داشت احکام جزایی که بر اساس آن ارتکاب جرم مستوجب اعمال مجازات است به معنای «شرطیه» بودن ماهیت آنها است. به عنوان مثال، عبارت قانونی هر کس علناً در انظار عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه محکوم می‌شود در واقع به معنای آن است که «اگر کسی در انظار عمومی عمل حرامی انجام دهد به حبس محکوم می‌شود» (ذاکر حسین، ۱۳۸۸: ۲۸). اما در پاسخ به اینکه مفهوم جمله شرطیه حجت است باید گفت بیشتر اصولیین معتقدند که مفهوم جمله شرطیه حجت است. عرفاً از جمله شرطیه فهمیده می‌شود که منظور متکلم از جمله شرطیه این است که در صورت وجود شرط جزا بر آن مترتب است و در صورت عدم شرط جزا نیز معدوم و منتفی خواهد بود (محمدی، ۱۳۷۹: ۸۸).

در منابع اصولی، موضوع تعدد جرم در مبحث جمله شرطیه و زیر عنوان «تداخل اسباب و مسببات» بررسی شده است (ذاکر حسین، ۱۳۸۸: ۲۸). بحث درباره این مسئله است که اگر چند جمله شرطیه وارد شدند، به طوری که نوع جزا (مسبب) در همه یکی باشد ولی شروط (سبب) متعدّد

باشند، این اسباب با یکدیگر تداخل می‌کنند، بطوری که همگی در حکم یک سبب باشند یا خیر، در پاسخ اظهار داشته‌اند: «شبهه‌ای نیست در اینکه وقتی دلیل خاصی بر تداخل یا عدم تداخل وارد شود واجب است به آن دلیل عمل شود و اما در صورت وارد نشدن دلیل خاص، محلّ اختلاف است و حق این است که در این مورد قاعده عدم تداخل است» (مظفر، ۱۳۷۱: ۱۱۸). بنابراین، منظور از «اصل عدم تداخل» تکرار و تعدّد مسبب به لحاظ تکرار و تعدّد اسباب است، خواه اسباب از یک سنخ باشند و یا از چند سنخ (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۶: ۴۱۳). مطابق این اصل هر جرمی سبب و مجازات مسبب است و در صورت تعدّد جرم، مجازات نیز متعدّد خواهد بود و اجرای مجازات‌ها نیز باید به گونه‌ای باشد که هیچ یک مانع اجرای دیگری نشود. برای نمونه، در روایت آمده است: امام علی (ع) در مورد کسی که مرتکب قتل، شراب‌خواری و سرقت شده بود چنین قضاوت کرد که اقامه شود بر او حدّ شلاق برای شراب‌خواری و قطع دست برای سرقت و قتل (قصاص) برای ارتکاب قتل (به نقل از تبریزی، ۱۴۱۷: ۱۴۰). در روایت دیگر آمده است عبدالله بن طلحه از امام صادق (ع) درباره دزدی که به خانه زنی آمد و لباس‌ها را جمع کرد و با زن جماع نمود و فرزند زن را به قتل رساند و آنگاه زن دزد را کشت، نقل کرده است که حضرت فرمود: خون دزد هدر است یعنی خون او باطل است و عوضی ندارد و چهار هزار درهم از اموال او را به جای بضع به زن می‌دهند و وارثان او ضامن دیه فرزندش هستند که او کشته است (شهیدثانی، ۱۳۸۴: ج ۱۳، ۱۷۱).

با توجه به این روایات، چنانچه شخصی مرتکب چندین رفتار مجرمانه شود، به نحوی که دو یا چند حد بر وی واجب شود، اگر جمع بین آنها ممکن باشد تمام مجازات‌ها با هم جمع می‌گردند و اگر جمع آنها منافات داشته باشد به جهت آنکه یکی از آنها قتل یا تبعید باشد، واجب است آن حدّی که موجب تفویض دیگری نمی‌شود مقدم دانسته شود تا بدین ترتیب حقوقی که واجب است تحصیل گردند جمع شوند (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۸۲). در تعزیرات نیز آنچه مشهور است اینکه تعزیر به علت تعدّد سبب متعدّد می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۸۲). بنابراین، در تعزیرات نیز اصل بر عدم تداخل است چه جرایم تعزیری یکسان باشند چه متفاوت (مکارم



شیرازی، ۱۴۲۵: ۱۷۸). با وجود این، از آنجا که تعزیر در اختیار حاکم شرع است، حاکم می‌تواند در صورت مصلحت آنها را به صورت تداخل انجام دهد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۱۷۸). از این رو، در فقه جزایی اسلام اگر کسی مرتکب چندین رفتار مجرمانه شود، تمام رفتارها به عنوان جرم مستقل برای وی لحاظ خواهد شد و مجازات تمام جرایم ارتكابی باید اجراء شود.

۳-۳. قانون

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ دربارهٔ مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر نص صریحی وجود ندارد، اما به طور ضمنی می‌توان حکم موضوع را از برخی مواد قانونی استنباط نمود. مادهٔ ۱۳۴ ق.م.ا. حکم تعدد واقعی جرم را بیان نموده است: «در جرائم موجب تعزیر هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه برای هر یک از آن جرائم حداکثر مجازات مقرر را حکم می‌کند و هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی مشروط به اینکه از حداکثر به اضافهٔ نصف آن تجاوز نکند، تعیین می‌کند». این ماده به طور کلی و به صورت اطلاق، به ارتكاب بیش از یک رفتار مجرمانه اشاره داشته است، بدون توجه بدین موضوع که بین رفتارهای مجرمانه چه نوعی رابطه‌ای وجود دارد. بنابراین، بر اساس مادهٔ ۱۳۴ ق.م.ا. جرم مقدمه و جرم اصلی دو جرم محسوب می‌شوند و موضوع از باب تعدد مادی بررسی خواهد شد (ساداتی، ۱۳۹۶: ۲۱۴-۲۱۵) همچنین، با ملاحظهٔ مادهٔ ۵۴۷ ق.م.ا. بخش تعزیرات که «شکستن یا خراب کردن در زندان برای فرار از آن» را به صراحت تعدد واقعی دانسته است، باید گفت: «مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر» از مصادیق تعدد واقعی است نه اعتباری (رایجیان اصلی، ۱۳۸۲: ۱۸). مادهٔ ۵۴۷ مقرر می‌دارد: «هر زندانی که از زندان یا بازداشتگاه فرار نماید به شلاق تا ۷۴ ضربه یا سه تا شش ماه حبس محکوم می‌شود و اگر برای فرار درب زندان را شکسته یا آن را خراب کرده باشد علاوه بر تأمین خسارت وارده به هر دو مجازات محکوم خواهد شد». مواد ۶۳۴ و ۶۶۴ ق.م.ا. بخش تعزیرات از دیگر موادی هستند که به نحو ضمنی به تعدد مادی مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر اشاره داشته‌اند. مادهٔ ۶۳۴ مقرر می‌دارد:

«هرکس بدون مجوز مشروع نبش قبر نماید به مجازات حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال محکوم می‌شود و هرگاه جرم دیگری نیز با نبش قبر مرتکب شده باشد به مجازات آن جرم هم محکوم خواهد شد». ماده ۶۶۴: «هرکس عالماً عامداً برای ارتکاب جرمی اقدام به ساخت کلید یا تغییر آن نماید یا هر نوع وسیله‌ای برای ارتکاب جرم بسازد یا تهیه کند به حبس از سه ماه تا یکسال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد». مواد ۵۵۵ و ۵۸۶ نیز در این خصوص قابل اشاره هستند.

با توجه به اینکه در زمان تصویب این مواد قانونی، در نظام حقوقی ایران طبق ماده ۴۷ ق.م.ا. ۱۳۷۰ در برخورد با تعدد جرایم غیرمشابه، قاعده جمع مجازات‌ها اعمال می‌شد، تصریح این مواد بدین مطلب که «چنانچه مرتکب، جرم دیگری نیز انجام داده باشد به مجازات آن جرم هم محکوم خواهد شد» منصرف از بیان حکم جمع مجازات بوده است، زیرا این موضوع را قانونگذار در ماده ۴۷ بیان کرده بود و دیگر نیازی به تکرار آن نبود. بنابراین، به نظر می‌رسد قانونگذار از تصریح مذکور به دنبال بیان قاعده‌ای دیگر بوده و خواسته این شبه را بزدايد که «همراهی و مرتبط بودن جرایم ارتكابی با هم و یا مقدمه بودن بعضی از آنها برای بعضی دیگر» مانع اعمال قواعد تعدد جرم نخواهد بود.

در مجموع به عقیده نگارنده با توجه به سکوت قانون، مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر از مصادیق تعدد واقعی است. البته در حالت ملازمه نباید معتقد به تعدد واقعی جرم بود، زیرا جرم اصلی واقع نمی‌شود مگر با ارتکاب جرمی دیگر. بنابراین، جرم مقدمه جزء تفکیک‌ناپذیر جرم اصلی است و به عبارتی داخل در جرم اصلی است و میان آنها همراهی وجود دارد و از یک دیگر مجزاً نیستند، پس نمی‌توان آنها را دو جرم مستقل دانست. برای مثال، لازمه حتمی مصرف یا خرید مشروبات الکلی و مواد مخدر حمل آنها است. از این رو، نمی‌توان تصور نمود فردی مشروبات الکلی یا مواد مخدر خریداری یا مصرف نماید ولی آنها را حمل ننموده باشد (غیر از حالتی که یک شخص حمل نموده و دیگری مصرف کرده باشد). در نتیجه، در این گونه موارد به نظر می‌رسد تعدد جرم (تعدد واقعی) منتفی باشد. از حکم مندرج در تبصره ۲ ماده ۱۳۲ ق.م.ا.

نیز می‌توان در این خصوص ملاک گرفت. به موجب تبصره مذکور: «چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند، فقط مجازات اشد اجراء می‌شود؛ مانند تفخیز در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجراء می‌شود». قانونگذار در این تبصره از آنجا که تفخیز به نوعی مقدمه لواط بوده و با آن ملازمه داشته، آن را داخل در لواط دیده و مرتکب را فقط مستحق یک مجازات می‌داند. بنابراین، در تعزیرات نیز با توجه به قیاس اولویت، قاعده دراء و تفسیر به نفع متهم، باید قائل به عدم تعدد جرم بود.

۳-۴. رویه قضایی

رویه قضایی در این رابطه تا حدی متعارض است. برخی آراء و نظرات قائل بر وحدت جرم و برخی دیگر قائل به تعدد جرم هستند:

رویه قضایی قائل بر تعدد جرم. رأی شماره ۷۸۹-۱۳۱۸/۴/۱۷ شعبه دوم دیوان عالی کشور: «در مورد شکستن مهر محلّ اشیاء توقیف شده و دخالت در آن اشیاء دادگاه مکلف به اصدار حکم مجازات برای هر یک از دو عمل مزبور می‌باشد و نمی‌توان بعنوان اینکه شکستن مهر مقدمه دخالت در اشیاء محسوب می‌شود متهم را فقط از جهت ارتکاب دخالت در آنها محکوم نمود» (متین، ۱۳۸۲: ۹۳). رأی شماره ۲۳۵-۱۳۳۰/۱/۲۷ شعبه دوم دیوان عالی کشور: «اساساً به طور کلی اگر بزهی مقدمه بزه دیگری باشد قاعده مخصوص نیست که هر دو عمل از لحاظ کیفر در حکم یک عمل تلقی شود، مگر در بزه‌های مرکبه که خود قانون برای مجموع کیفر خاصی مقرر داشته باشد و این قاعده هم با مورد تطبیق نیست» (متین، ۱۳۸۲: ۹۲). رأی شماره ۱۲۶۷-۱۳۲۵/۹/۱۲ شعبه دوم دیوان عالی کشور: «ساخته شدن کلید برای دزدی از طرف دزد جرم جداگانه‌ای محسوب می‌شود» (متین، ۱۳۸۲: ۹۲). نظریه شماره ۱۳۶۶/۷-۱۳۸۹/۳/۱۱ اداره حقوقی قوه قضائیه اظهار داشته است: «ساخت یا تهیه کلید یا هر نوع وسیله دیگر برای ارتکاب جرم از نقطه نظر قانونی بزه مستقلی محسوب شده و اقدام به آن در حدود مقررات ماده ۶۶۴ ق.م.ا.ت. قابل مجازات است. بنابراین هر کس با استفاده از آلات و ادوات موضوع ماده

قانونی مرقوم، مرتکب عمل مجرمانه‌ای شود تحت دو عنوان جزائی قابلیت تعقیب کیفری داشته و از این حیث موضوع مشمول مقررات تعدد مادی جرم خواهد بود» (مندرج در سایت اداره حقوقی قوه قضائیه). رأی وحدت رویه شماره ۶۸۵ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۳: «اعمال ارتكابی متهمان در مورد تخریب منابع طبیعی و محیط زیست به منظور تصرف با ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی و در مورد قطع اشجار با ماده ۴۲ قانون حفاظت از جنگل‌ها و مراتع منطبق است. زیرا هر یک از اعمال ارتكابی واجد جنبه جزایی خاص بوده و از مصادیق ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی و تعدد مادی جرم محسوب می‌گردد. علی‌هذا به نظر اکثریت اعضای هیئت عمومی وحدت رویه قضایی دیوان عالی کشور رأی شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر استان کرمانشاه که با این نظر انطباق دارد صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد». نظریه شماره ۷/۶۱۰۴-۱۳۸۷/۱۰/۱ اداره حقوقی قوه قضائیه: «به طور کلی مقدمه بودن بزهی برای ارتكاب بزه دیگر وصف مجرمانه را از آن سلب نمی‌کند. در فرض سؤال عناصر عمومی جرایم ارتكابی ورود به منزل غیر و تخریب که به منظور سرقت صورت می‌گیرد، به طور علیحده و منفک از عناصر عمومی سرقت، موجود و قانونگذار برای هر یک مجازات جداگانه‌ای مقرر داشته است که علاوه بر مجازات سرقت باید در مورد مرتکب به معرض اجراء گذاشته شود و رأی وحدت رویه شماره ۶۸۵-۱۳۸۴/۱۲/۲۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز مؤید استنباط فوق است».

رویه قضایی قائل بر وحدت جرم. شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور در رأی شماره ۳۷۹ مورخ ۱۳۷۸/۵/۷ با این استدلال رأی دادگاه بدوی را نقض نموده است: «ایراد و اعتراض محکوم‌علیه (...) در مورد حمل و نگهداری اسلحه وارد می‌باشد، زیرا سرقت اسلحه ملازمه با حمل و نگهداری آن دارد و حمل و نگهداری و اختفاء پس از وقوع سرقت و احراز آن به وسیله دادرس محترم نمی‌تواند جرم جداگانه‌ای باشد». دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۰۰۷۹۴ مورخ ۹۶/۶/۱۸ شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر تهران قدرت‌نمایی با چاقو را به عنوان مقدمه ایراد ضرب و جرح و دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۴۱۰۰۸۲۹ مورخ ۹۲/۶/۲۷ شعبه ۴۱ دادگاه تجدیدنظر تهران تهدید در ایراد ضرب و جرح عمدی را جرایم مقدماتی دانسته و قائل بر وحدت جرم بوده‌اند

(پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی، ۱۳۹۴: ۴۲۴-۴۳۰). اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۱۴/۷/۲۰-۱۳۷۲/۴/۲ اظهار داشته است: «اتهام فروش اسلحه غیرمجاز چون خرید، حمل و نگهداری از مقدمات و لوازم آن به شمار می‌رود فعل واحد بوده و از مصادیق تعدد معنوی ماده ۴۶ ق.م.ا. (م. ۱۳۱ فعلی) است» (ایرانی ارباطی، ۱۳۸۸: ۲۲۹). اداره حقوقی در نظریه شماره ۲۲۰۵/۷-۱۳۹۰/۴/۵ برخلاف نظریه سابق بیان می‌دارد: «اگرچه مطابق ماده ۶۶۴ ق.م.ا.ت. ساخت کلید (...) جرم علیحده نسبت به جرم سرقت است لکن چون در فرض استعمال تهیه و وسایل مذکور توسط یک نفر و برای ارتکاب سرقت و در واقع جرائم ارتكابی بعضی مقدمه بعض دیگر بوده و یا از لوازم آن به شمار می‌آید لذا مورد از موارد تعدد معنوی بوده و مجازات جرمی داده می‌شود که جزای آن اشد است» (ایرانی ارباطی، ۱۳۸۸: ۲۲۹). اداره حقوقی قوه قضائیه سابقاً در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲۸-۱۳۶۷/۴/۱۴ برخلاف نظریه شماره ۷/۶۱۰۴-۱۳۸۷/۱۰/۱ اظهار داشته بود: «هرگاه جرائم ارتكابی بعضی مقدمه بعضی دیگر بوده و یا از لوازم آن به شمار آیند و مجموع آنها نیز دارای عنوان خاص جزایی باشد (تعدد معنوی)، مجازات جرمی داده می‌شود که جزای آن اشد است. بنابراین در فرض سؤال ورود غیرمجاز افراد از لوازم سرقت و تهیه مشروب از لوازم و مقدمات شرب آن است مرتکب را فقط می‌توان به مجازات سرقت و شرب خمر محکوم کرد نه به مجازات ورود به منزل افراد و سرقت و خرید مواد الکلی و شرب آن» (ایرانی ارباطی، ۱۳۸۸: ۲۲۸). نظریه شماره ۷/۶۳۷۲-۱۳۷۴/۹/۲۷-۱۳۷۴/۹/۲۷ اداره حقوقی قوه قضائیه: «خرید یا نگهداری مواد مخدر به مقدار کم جهت استعمال جرم مستقلی محسوب نمی‌شود» (سلیمی الیزئی، ۱۳۸۹: ۱۹).

۴. رابطه جرایم مرتبط با موارد مشابه

۴-۱. رابطه با مجموعه جرایم دارای عنوان خاص

گاه مجموع جرایم ارتكابی که در قانون تحت یک عنوان مجرمانه خاص قابل تعقیب و محاکمه است با مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر یکی می‌شود. به عبارتی دیگر، گاه جرم

مقدمه و مؤخر در قانون تحت عنوان مجرمانه خاص آمده است. به عنوان مثال، حمل سلاح غیرمجاز جرم مستقلی است و سرقت نیز جرمی مستقل. حال، در فرضی که سارق با سلاح غیرمجاز مبادرت به سرقت می‌نماید با توجه به اینکه مقدمه جرم سرقت مسلحانه حمل سلاح است، نمی‌توان مرتکب را یک بار به اتهام سرقت و یکبار به اتهام حمل سلاح محکوم کرد. به عبارت دیگر، اگر کسی مرتکب جرایم متعدّد شود که بعضی از آنها مقدمه بعضی دیگر باشد، مثل جعل و استفاده از سند مجعول، در این موارد جز حالتی که قانونگذار جرایم متعدّدی را تحت عنوان خاص پیش‌بینی کرده است، در سایر موارد تمام جرایم برای مرتکب لحاظ شده و مورد از مصادیق تعدّد واقعی جرم است نه اعتباری. به تعبیر دیگر، می‌توان گفت گاه جرمی مقدمه جرم دیگر است بدون اینکه مجموع این مقدمه و مؤخره عنوان جرم واحد و خاصی داشته باشد، مثل تهیه اسلحه غیرمجاز برای ارتکاب قتل و یا ساخت کلید برای سرقت و گاه جرمی مقدمه جرم دیگر است ولی مجموع این مقدمه و مؤخره عنوان خاص و واحدی را تشکیل می‌دهد، مثل سرقت مسلحانه.

۴-۲. رابطه با جرایم مانع

هر یک از دو مفهوم جرم و انحراف راه‌های مقابله خاصی دارد. مقابله با جرم غالباً با توسل به ضمانت اجراهای کیفری صورت می‌گیرد، در حالی که روش‌های مقابله با انحراف بنا به طبیعت رفتار منحرف، غالباً خارج از چهارچوب ضمانت اجراهای کیفری است. با وجود این، در خصوص پاره‌ای از انحرافات، توسل به ضمانت اجراهای کیفری از طریق جرم‌انگاری آنها پیشنهاد شده است. ورود ضمانت اجراهای کیفری به قلمرو انحرافات با هدف جلوگیری از ارتکاب جرایم دیگر را باید در نظریات و اندیشه‌های کیفری بنام از دانشمندان مکتب کلاسیک حقوق کیفری جستجو کرد (نجفی ابرندآبادی و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۵). از لحاظ ماهوی، این جرایم ناظر هستند به مراحل بسیار مقدماتی و زود هنگام که حتی ممکن است مورد نظر فاعل نباشند (نجفی ابرندآبادی و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۵). نام‌گذاری انحرافات و رفتارهای خطرناک در قالب



جرم که نخست در نوشته‌های بنتام تحت عنوان «جرایم فرعی» مطرح شد در آثار نویسندگان فرانسوی به عنوان «جرم مانع» یا بازدارنده مطرح شده است (نجفی ابرندآبادی و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۶). امروزه جرایم مانع بخشی از قوانین کیفری کشورها را به خود اختصاص می‌دهند و از مصادیق آن می‌توان به حمل سلاح غیرمجاز، تبانی برای ارتکاب جرم، تهیه و ساخت کلید برای سرقت، تگدی‌گری، ولگردی و رانندگی در حال مستی اشاره کرد.

برخی از نویسندگان «جرایم مانع» را با مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر ترکیب نموده و آن دو را یکی دانسته و معتقدند: «هدف قانونگذار کیفری از جرم‌انگاری جرایم مقدماتی این است که از وقوع جرایم دیگری که وقوع آنها منوط به تحقق جرایم مقدم می‌باشد و همچنین موجب ورود لطمات و خسارات سنگین تری می‌شوند جلوگیری گردد. به عنوان مثال هدف اصلی مقنن از جرم‌انگاری حمل اسلحه غیرمجاز و جعل اسناد و یا تهیه مواد مخدر و تولید سگه تقلبی همانا جلوگیری کردن از وقوع جرایم مهلک و خطرناک تری مانند قتل، استفاده از سند مجعول و اعتیاد و اخلال در نظام اقتصادی و پولی کشور می‌باشد و بنابراین اگر قائل به این نظر باشیم که در این موارد (در جرایم مقدماتی و جرایم غایی)، صرف مجازات جرم غایی کافی برای مجازات مرتکب در هر دو دسته جرایم مذکور می‌باشد، این اعتقاد ناقص غرض قانونگذار کیفری از جرم‌انگاری «جرایم بازدارنده» می‌باشد» (طاهری نسب، ۱۳۸۱: ۷۹).

این نظریه از حیث مقدمه درست است ولی از جهت نتیجه صحیح نیست، زیرا هرچند جرایم مانع ماهیتاً قبل از جرایم اصلی واقع می‌شوند، با فرض مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر تفاوت دارند. در مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر بحث این است که بزهکار برای ارتکاب یکی جرم اصلی و غایی که مد نظرش است جرایم دیگری را مرتکب شود که این جرایم مقدماتی ممکن است اصلاً ماهیت جرم مانع را نداشته باشند، مثل تخریب برای سرقت، در حالی که در جرم مانع شخص ممکن است فقط همان جرم را انجام دهد، مثل خرید اسلحه و دیگر با آن مرتکب جرم دیگری (جرم غایی) نشود.



نتیجه

موضع حقوق ایران در رابطه با وضعیت مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر واضح نیست، که این امر خود باعث اختلاف نظر در دکترین و رویه قضایی گردیده است. گروهی قائل به وحدت جرم و گروهی دیگر قائل بر تعدد جرم هستند. اما به نظر می‌رسد این نظریه که معتقد به تعدد واقعی بودن است به ظاهر و روح قانون و نیز عدالت نزدیک‌تر باشد. از این رو، چنانچه مجرمی برای رسیدن به یک جرم که هدف اصلی او است جرم یا جرایم دیگری را مرتکب شود، هم برای جرم اصلی و هم جرم مقدماتی محاکمه می‌شود، مگر آنکه بین جرم مقدماتی و جرم اصلی رابطه ملازمه وجود داشته باشد، به گونه‌ای که ارتکاب جرم اصلی بدون ارتکاب جرم مقدماتی غیرممکن باشد؛ در این گونه موارد قائل شدن به تعدد جرم دور از منطقی حقوقی است. سکوت قانونگذار راجع به فرض مورد بحث از نواقص قانون است و لازم است قانونگذار با توجه به آثار مهمی که در تعدد وجود دارند به صراحت موضع خود را در خصوص مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر مشخص نماید.

منابع

الف. فارسی

- آخوندی، محمود (۱۳۶۵). *آیین دادرسی کیفری*، جلد اول، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳). *حقوق جزای عمومی*، جلد سوم، چاپ اول، نشر میزان.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۷). *جزوه درس حقوق جزای عمومی*، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- ایرانی ارتباطی، بابک (۱۳۸۴). *مجموعه نظرات مشورتی جزایی از ۱۳۴۲ تا ۱۳۸۳*، جلد اول، چاپ اول، نشر مجد.
- باهری، محمد (۱۳۸۰). *نگرشی بر حقوق جزای عمومی*، چاپ اول، انتشارات مجد.
- پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی (۱۳۹۴). *مجموع آراء قضایی دادگاه تجدیدنظر استان تهران (کیفری)*، تیر، مرداد و شهریور ۱۳۹۲، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- پیمانی، ضیاءالدین (۱۳۷۴). *بررسی تاریخ و تطبیقی قاعده تعدد جرم*، چاپ اول، ناشر معاونت پژوهشی مجتمع آموزش عالی قم.
- جمعی از پژوهشگران زیر نظر محمد هاشمی شاهرودی، (۱۴۲۶). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)*، جلد دوم، چاپ اول، قم، ناشر مؤسسه دائرالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیه السلام.
- ذاکر حسین، محمدهادی (۱۳۸۸). «چشم انداز تعدد جرم از افق مبانی فقهی»، *ماهنامه دادرسی*، سال سیزدهم، شماره ۷۳.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۲). «تحلیلی بر مقررات تعدد جرم و دشواری های آن»، *فصلنامه دیدگاه های حقوقی*، شماره ۲۸ و ۲۹.
- زراعت، عباس (۱۳۸۷). *شرح قانون مجازات اسلامی*، بخش کلیات، انتشارات ققنوس.

- ساداتی، محمد مهدی (۱۳۹۶). «تعدد جرم در حقوق ایران و آلمان»، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۸، شماره ۱.
- ساداتی، محمد مهدی، صادقی، محمد هادی و فروغی، فضل الله (۱۳۹۶). «جرم انگاری و کیفر گذاری تعدد حدود در فقه امامیه و قانون مجازات»، مجله فقه و حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره چهاردهم.
- سلیمی الیزئی، فرشته (۱۳۸۹). قانون اصلاح قانون مبارز با مواد مخدر در رویه قضایی، چاپ اول، انتشارات جاودانه.
- شهید ثانی (۱۳۸۴). شرح المعه، ترجمه علی شیروانی، بخش حدود، جلد ۱۳، چاپ چهارم، انتشارات دارالعلم.
- شیخ الاسلامی، عباس (۱۳۹۵). تعدد جرم نظریه‌ها و رویه‌ها، چاپ اول، انتشارات میزان.
- صانعی، پرویز (۱۳۸۲). حقوق جزای عمومی، چاپ اول، انتشارات طرح نو.
- طاهری نسب، یزداله (۱۳۸۱). تعدد و تکرار جرم در حقوق جزا، چاپ اول، انتشارات مجلد.
- عابد، رسول (۱۳۹۱). «ضابطه‌ای برای اختلاف جرایم در اعمال قاعده تعدد جرم»، نشریه پیام آموزش، سال نهم، شماره ۵۵.
- علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۸۵). حقوق جنایی، جلد دوم، چاپ دوم، چاپ گیتی.
- عوده، عبدالقادر (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی حقوق جزای اسلامی و قوانین عرفی، جلد دوم، مجازات مبانی و اقسام آن، مترجم حسن فرهودی‌نیا، چاپ اول، انتشارات یادآوران.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۱). بایسته‌های حقوق جزای عمومی، چاپ ششم، انتشارات میزان.
- متین، احمد (۱۳۸۲). مجموعه رویه قضایی قسمت کیفری، چاپ دوم، انتشارات رهام.
- محسنی، مرتضی (۱۳۸۲). دوره حقوق جزای عمومی، پدیده جنایی، جلد دوم، چاپ دوم، انتشارات گنج دانش.

- محمدی، ابوالحسن (۱۳۷۹). *مبانی استنباط حقوق اسلامی*، چاپ دوازدهم، انتشارات دانشگاه تهران.
- مظفر، محمد رضا (۱۳۷۱). *اصول فقه*، ترجمه علیرضا هدایتی، انتشارات حکمت.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵ ه.ق)، *تعزیر و گستره آن*، چاپ اول، انتشارات مؤسسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- مهدوی، ابراهیم (۱۳۴۵). «تعدد و تکرار، صدق عناوین متعدد بر یک عمل مجرمانه»، *مجله کانون وکلا*، شماره ۱۰۳.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، حبیب زاده، محمدجعفر و بابایی، محمدعلی. (۱۳۸۳). «جرائم مانع»، *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، ویژه نامه حقوق، دوره ۸، شماره ۳۷.
- نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه، مندرج در سایت اداره حقوقی قوه قضائیه.
- نوریها، رضا. (۱۳۷۵). *زمینه حقوق جزای عمومی*، چاپ اول، نشر کانون وکلا.

ب- عربی

- تبریزی، جواد (۱۴۱۷ ه.ق). *أسس الحدود و التعزیرات*، چاپ اول، ناشر دفتر نشر مؤلف.
- شهید ثانی (۱۴۱۳ ه.ق). *مسالك الافهام*، جلد چهاردهم، چاپ اول، قم، ناشر مؤسسه المعارف الاسلامیه.